

نهی از عبادات و ریاضات مُبتدعه و دعاوی باطله

حضرت بهاء الله

اصلی فارسی



لوح رقم (114) امر و خلق - جلد 3

۱۱۴ - نهی از عبادات و ریاضات مُبتدعه و دعاوی باطله

در کلمات فردوسیة است قوله الاعلی : کلمة الله در ورق دهم از فردوس اعلی ، یا اهل ارض انزوا و ریاضات شاقه بجز قبول فائز نه صاحبان بصر و خرد ناظرند به اسبابی که سبب روح و ریحان است امثال این امور از صلب ظنون و بطن اوهام ظاهر و متولد ، لایق اصحاب دانش نبوده و نیست بعضی از عباد از قبل و بعد در مغاره های جبال ساکن و بعضی در لیالی بقبور متوجه بگو بشنوید نصیح مظلوم را از ما عند کم بگذرید و به آنچه ناصح امین میفرماید تمسک جوئید لا تحرموا انفسکم عما خلق لکم .

و در کتاب اقدس است قوله الاعلی : من الناس من یقعدُ صف النعال طلباً لصدر الجلال قل من انت یا ایها الغافل الغرار و منهم من یدعی الباطن و باطن الباطن قل یا ایها الکذاب تالله ما عندک انه من القشور ترکها لکم کما ترک العظام للکلاب تالله الحق لو یغسل احد ارجل العالم و یعبد الله علی الادغال و الشواجن و الجبال و القنان و الشناخیب و عند کل حجر و شجر و مدر و لا یتضوع منه عرف رضائی لن یقبل ابداً هذا ما حکم به مولی الانام کمر من عبد اعتزل فی جزائر الهند و منع عن نفسه ما احله الله له و حمل الریاضات و المشقات و لم یدکر عند الله منزل الآیات . . . قل روح الاعمال هو رضائی و علق کل شیئی بقبولی .



ORIGINAL

در اثری و لوحی است قوله : ای علی مشاهده در امور رسول الله نما که اول امر در کمال ترقی و استعلاء بوده بعد توقف نمود و یکی از اسباب مانعه آنکه نفوس برخاستند و بدعوی این که اهل باطنیم ناس بیچاره را از شریعه الهیه و مکامن عزّ ربانیه ممنوع نموده اند قل تالله کلّ ظاهر اعلی من باطنکم و کلّ قشر انور من لبکم قد ترک المخلصون بواطنکم كما تترک العظام للکلاب این ایام احکام الهیه از مشرق ربانیه مشرق و انشاء الله از بعد ارسال میشود این دو آیه مبارکه در آن الواح اقدس نازل من الناس من یقعد صفّ النعال طلباً لصدر الجلال قل من انت یا ایها الغافل الغرّار و منهم من یدعی الباطن قل یا ایها الکذاب تالله ما عندک من القشور ترکها لکم كما تترک العظام للکلاب ملاحظه نمائید هر نفس از نفوس موهومه که یافت شد خلیجی از بحر اعظم خارج نمود و به توهمات نفسانیه و شؤونات هواییه بتمام مکر و خدعه قیام کرد و فرقه اسلام را متفرق ساخت قل یا ایها الموهوم انّ الباطن و باطن الباطن و باطن الذی جعله الله مقدساً عن الباطن و الظاهر الی مالا نهیة لها یطوف حول هذا الظاهر الذی ینطق الحق فی قطب العالم قد ظهر اسم الاعظم و مالک الامم و سلطان القدم لیس لاحد مفرّ و لا مستقرّ الا من تمسک بهذه العروة النوراء الّتی بها اشرفت الارض و السماء و لاح العرش و الثری و اضاء ملکوت الانشاء و انار الافق الاعلی اتقوا یا قوم و لا تتبعوا اهواء الذین اتبعوا الهوی و لا اوهام الذین قاموا علی المکر فی ملکوت الانشاء توجهوا بوجه بیضاء و غرر غرّاء الی مطلع آیات ربکم مالک الاخرة و الاولی كذلك قضی الامر فی لوح الذی جعله الله امّ الالواح و مصباح الفلاح بین السموات و الارضین ای علی تفریق امت سبب و علت ضعف کلّ شد و لکن الناس اکثرهم لا یفقهون بعضی از ناس که ادعای شوق و جذب و شعف و انجذاب و امثال آن نموده و مینمایند کاش بدار السلام میرفتند در تکیه قادریه ملاحظه مینمودند و متنبّه میشدند . ای علی جمعی در آن محل موجود و مجتمع و نفسی الحق که مشاهده شد نفسی از آن نفوس زیاده از ربع ساعات مقعد خود را به حجر و مدر و جدار میزند که بیم هلاک بود و بعد منصعقاً بر ارض میافتاد و مقدار دو ساعت ابداً شعور نداشت و این امور را از کرامات میشمردند انّ الله برئی منهم و نحن برآء انّ ربک هو العلیم الخبیر و همچنین جمعی هستند به رفاعی معروف اند و آن نفوس به قول خود در آتش میروند و در احیان جذبه سیف بر یکدیگر میزنند بشأنی که ناظر چنین گمان مینماید که اعضای خود را قطع نمودند کلّ ذلک حیل مکر و خدع من عند انفسهم الا انهم من الاخسرین جمیع این امور برأی العین مشاهده شد اکثری از ناس دیده اند بسیار محبوب است که یکی از آن نفوس موهومه بان ارض توجه نماید و تکلیای مذکوره و ما یحدث فیها را مشاهده کند که شاید بخطرات نفسانیه و توهمات انفس خادعه از شطر احدیه و مالک بریه ممنوع نشود جمعی در جزایر بوده و هستند که خود را از اکل و شرب منع نموده اند و با وحوش انس گرفته اند و لیالی و ایام به ریاضات شاقّه مشغول اند و به اذکار ناطق معذک احدی از آن نفوس عند الله مذکور نه مع آنکه خود را از اقطاب و ادباء و اوتاد و افراد ارض میشمردند و ایوم رداء افعال و اکیلی اعمال ذکر اعظم در ظاهر و باطن بوده انه لکلمة الّتی بها فصل بین کلّ حزب و نفس کلّ جبل و سقط کلّ نجم و کسف کلّ شمس و خسف کلّ قر و انفطر کلّ سماء و انشق کلّ ارض و غیض کلّ بحر و ارتعد کلّ فتنه و انقعر کلّ

جذع واضطرب كل هضب ارتعش كل بطح الا من شاء ربك المقتدر القدير من اقر بما اقره الله واعترف
بما اعترفه الله انه من اهل البهاء في ملكوت الانشاء كذلك نزل من افق الوحي امر ربك المبرم العزيز الحكيم .